

# روایت نسل سوخته



حیدر صدراعظم‌صومالیان  
دبیر سرویس ورزش

● اول: این عبارت را بارها شنیده‌ایم که فلان بازیکن به حق خودش در فوتبال یا ورزش نرسید. مثلا می‌گویند فلانی اگر مصدوم نمی‌شد، می‌توانست به مدارج بالایی برسد یا به فرض گفته می‌شود فلان بازیکن هم دوره بهترین نسل تیم ملی بود، وگرنه می‌توانست سال‌ها برای تیم ملی بازی کند. این مصداق‌ها معمولا برای بازیکنان معدودی در یک بازه تاریخی خاص گفته می‌شود؛ اما جالب است که اصل این برای بازیکنان دهه ۶۰ عمومیت دارد؛ نسلی که با تأسف، شایسته صفت سوخته‌شده هستند، چراکه در شرایطی به روزهای اوج فوتبالشان رسیدند که فوتبال به دلایل غریب‌وزشی مثل این‌روزها دکان پررونقی نداشت. آن‌موقع عشق حرف و اول‌آخر را می‌زد و فوتبالیست‌ها به چیزی جز دل مردم، دلخوش نبودند.

● دوم: در سال‌های خاص دهه ۶۰ که ورزش و فوتبال در ایران متأثر از فضای سیاسی کشور و به‌ویژه پیامدهای جنگ تحمیلی بود، ورزشکاران بی‌نظیر زیادی ظهور کردند که به‌راستی به حق واقعی خودشان نرسیدند. در سطح ملی اگر امثال ناصر محمدخانی را داشتیم که لیونل مسی دوران خودش بود، در فوتبال خراسان هم کم بازیکنان خوب و توانمند نداشتیم که فرصت ظهوربروز پیدا نکردند. آن‌ها اگرچه در پهنه فوتبال خراسان درخشیدند و نام‌های ماندگاری شدند، اما هرگز به سقف رؤیایشان نرسیدند.

● سوم: دهه ۶۰ یک دهه بسیار خاص برای تاریخ کشورمان از جمله فوتبال بود. در آن‌سال‌ها تیم ملی بازی‌های چندانی نداشت و مسابقات باشگاهی در سطح کشور با تصمیم عجیب مسئولان فدراسیون قالب استانی گرفته بود. این اتفاقات باعث کم‌شدن فرصت نمایش استعدادهای جوان شده بود و با شدت گرفتن نگاه شهرستانی-تهرانی، درعمل بسیاری از بازیکنانی که پایتخت‌نشین نبودند، از چرخه رشد در فوتبال خارج شدند. در چنین فضای محدودی، بازیکنان زیادی نبودند که بتوانند رشد کنند و تازه آن‌هایی هم که مثلا رشد کرده بودند، مثل ناصر محمدخانی در قیاس با شرایط این‌روزهای فوتبال به هیچ‌جا نرسیدند!

● چهارم: فوتبال خراسان در آن سال‌ها قربانی فضای حاکم بر ورزش کشور در دهه ۶۰ شد و می‌توان به‌جرت گفت همه بازیکنان این دهه به آنچه حقیقت بود، نرسیدند. باین‌همه در میان آن‌ها چند بازیکن بودند که جلوه ویژه‌ای داشتند. استعدادهایی که کم نیستند، کسانی که می‌گویند اگر در آن برهه زمانی نبودند، می‌توانستند نام‌های ماندگاری در فوتبال ایران شوند. آنچه در این صفحه می‌خوانید، کوششی برای معرفی این نسل است؛ نسلی که بی‌تکبر و بی‌منت روزهای خاطره‌انگیز زیادی برای مردم خراسان و مشهد رقم زدند.

## جامانده‌ها

جامانده‌های تیم منتخب نسل سوخته فوتبال خراسان در دهه ۶۰

# از اعتمادی تا برادران اصغری



فهرست ۱۰ ستاره فوتبال خراسان در دهه ۶۰ که می‌توانستند به جایگاهی بالاتر در فوتبال ایران برسند، می‌تواند با نام‌های دیگری هم تکمیل شود؛ نام‌هایی که وقتی به‌هر کدامشان نگاه می‌کنیم، شاید یا این پرسش مواجه شویم که «چرا نام این بازیکن در فهرست ۱۰ ستاره برتر نیست؟» باین‌همه اساسی ۱۰ ستاره این پرونده گلچینی از فهرست مشترک پیشکسوتان و نامیان فوتبال خراسان بوده است. در اینجا به چند ستاره بیرون مانده از این فهرست اشاره می‌کنیم که شاید باید بودند، اما نیستند.

## ● گلرها | اعتمادی و نخودیان

مرتضی اعتمادی، حسین نخودیان و حسین پاس، ۳ سنگربان دهه ۶۰ فوتبال خراسان بودند که هر کدام درون چهارچوب دروازه تیم‌هایشان روزه روحی خوبی بودند. نخودیان و پاس بعد از پایان فوتبالشان مربیان خوبی برای گلرهای این شهر شدند و مرتضی اعتمادی هم به کانادارت و مسیر زندگی حرفه‌ای اش عوض شد.

## ● مدافعان | امیدوار به اسجوبه

حسین امیدوار، حسین قدم‌السلطان، سیدحسین حسینی، حسین شاملو، حسین رضایی و... بخشی از فهرست بلندبالای مدافعان نامی دهه ۶۰ بودند که هرکدام برای خودشان اعجوبه‌ای بودند؛ مدافعانی که می‌توانست نامشان در کنار ۱۰ ستاره برتر بیاید. شاید خیلی از این اسامی امروز خاندان‌نشین یا بیکارند، اما در دوران فوتبال، نقطه اتکای مربیان خودشان بودند.

## ● هافبک‌ها | برادران اصغری و باقی دوستان

برادران اصغری، ۲ هافبک طراز اول و خوش نقش فوتبال خراسان در دهه ۶۰، هیچ‌گاه در مستطیل سبز به حقیقت نرسیدند. باوجوداین بعد از پایان دوران فوتبال هر ۲ مستندها مدیریتتی در ورزش گرفتند و هنوز هم در این مسندها هستند و فعالیتی می‌کنند. باقر کبیری، جعفر نفوف و رضا قضاوت هم در این فهرست هستند؛ لیست جامانده‌ها از فهرست ۱۰ ستاره برتر دهه ۶۰ فوتبال خراسان.

## ● مهاجمان | وقتی همه هستند!

فوتبال خراسان همواره مهاجمان طراز اول و کارکنه‌ای را به خود دیده است. چه از دورانی که سعید صیامی‌ها در خط آتش مقابل حریفان طنازی می‌کردند و چه در سال‌هایی که تا امروز خداداد عزیزی ابروی فوتبال مشهد است. شاید بهترین این افراد در همان لیست ۱۰ نفره این پرونده آمدند.

## پرونده ویژه

یکی‌شان باهوش و دیگری به‌خاطر سرعت منحصربه‌فردش در کانون توجه‌ها بود؛ یکی‌دوجین ستاره که انگار هر کدام در آسمان زندگی فوتبالی ششان می‌درخشیدند.

باین‌همه دهه ۶۰ و ویژگی‌های اجتماعی و فرهنگی اش به آن‌ها اجازه نداد تا سوار بر قطار خوشبختی شوند و در مسیر سعادت قرار بگیرند. در سال‌هایی که تک‌نکشان در مستطیل‌نه‌چندان‌سبز آن‌روزها با مهارتشان چشم‌ها را خیره می‌کردند، دور بین‌های تلویزیونی هنوز رونق نگرفته بود و شرایط غیر حرفه‌ای فوتبال و جنگ هم مزید بر علت بود تا نتوانند به حقیقتشان برسند. برخی از آن‌ها حتی به اردوی تیم ملی هم دعوت شدند، اما در ترافیک سرخابی پرستان آن روزها هیچ‌وقت پیراهن ملی را به تن نکردند. ستاره‌های فوتبال خراسان در دهه ۶۰ کم نبودند و انتخاب ۱۰ چهره برتر آن‌ها برای پرونده فوتبالیست‌هایی که باوجود توانایی‌های منحصربه‌فرد هرگز به حقیقت نرسیدند، کار سختی بود. باین‌همه تنی چند از پیشکسوتان فوتبال استان در این‌مهم به‌ما کمک کردند تا در نهایت به این فهرست برسیم؛ جامانده‌های قطار خوشبختی در دهه ۶۰.

- سعید جوشن | اعلاترین سنگربان شماره‌یک بسیاری از تیم‌های فوتبال مشهد را به تن کرده است؛ از ابومسلم بگیرد تا رقیب سنتی پیام. سعید جوشن یکی از سنگربان‌های شش‌دانگ مشهد در دهه ۶۰ بود که هر تیمی خواهی به‌خدمت‌گرفتنش بود. جوشن‌ها از اوایل دهه ۶۰ که تیم ملی هم دعوت‌شد، اما به‌خاطر شرایط جنگ تحمیلی، اردوی تیم ملی تشکیل نشد و بعد هم دیگر همه چیز به هم ریخت. جوشن به اذعان بسیاری از هم‌بازیانش عاقل‌ترین سنگربان تاریخ خراسان است. می‌گویند نیازی به شیرچه نداشت. فوق‌العاده باهوش بود و به‌واسطه اینکه خودش یک‌برهه در خط حمله بازی می‌کرد، دست مهاجم‌ها را می‌خواند.
- سعید صیامی | سریع مثل سعید مهاجم شش‌دانگ ابومسلم و منتخب خراسان یکی از معدود بازیکنانی بود که پایش در دهه ۶۰ به تیم ملی باز شد. اگرچه ترافیک نفرات نگذاشت استعداد ناب خراسانی در تیم ملی فرصت درخشش پیدا کند، اما توانایی‌هایش بر کسی پوشیده نیست. سعید صیامی، مهاجمی سرعتی بود که وقتی پایه‌توپ می‌شد، هر مدافعی را جامی گذاشت؛ سرعتی مثال‌زدنی که گویا هیچ‌کس را یارای مقابله با این سرعت نبود. اوگل زنی با نظرده

- سعید جوشن | اعلاترین سنگربان شماره‌یک بسیاری از تیم‌های فوتبال مشهد را به تن کرده است؛ از ابومسلم بگیرد تا رقیب سنتی پیام. سعید جوشن یکی از سنگربان‌های شش‌دانگ مشهد در دهه ۶۰ بود که هر تیمی خواهی به‌خدمت‌گرفتنش بود. جوشن‌ها از اوایل دهه ۶۰ که تیم ملی هم دعوت‌شد، اما به‌خاطر شرایط جنگ تحمیلی، اردوی تیم ملی تشکیل نشد و بعد هم دیگر همه چیز به هم ریخت. جوشن به اذعان بسیاری از هم‌بازیانش عاقل‌ترین سنگربان تاریخ خراسان است. می‌گویند نیازی به شیرچه نداشت. فوق‌العاده باهوش بود و به‌واسطه اینکه خودش یک‌برهه در خط حمله بازی می‌کرد، دست مهاجم‌ها را می‌خواند.
- سعید صیامی | سریع مثل سعید مهاجم شش‌دانگ ابومسلم و منتخب خراسان یکی از معدود بازیکنانی بود که پایش در دهه ۶۰ به تیم ملی باز شد. اگرچه ترافیک نفرات نگذاشت استعداد ناب خراسانی در تیم ملی فرصت درخشش پیدا کند، اما توانایی‌هایش بر کسی پوشیده نیست. سعید صیامی، مهاجمی سرعتی بود که وقتی پایه‌توپ می‌شد، هر مدافعی را جامی گذاشت؛ سرعتی مثال‌زدنی که گویا هیچ‌کس را یارای مقابله با این سرعت نبود. اوگل زنی با نظرده



۱۰ فوتبالیست مشهدی که در دهه ۶۰ در قد و قواره یک ستاره بودند اما هرگز به حق‌شان نرسیدند

بازیکنی که از حیث فنی تحسین شده و کسی نیست که بر توانایی‌های فنی او ادعان نکند. تمام کارشناسان و پیشکسوتان مشهد به‌اتفاق می‌گویند احمد حامد یکی از فوتبالیست‌های با کیفیت تاریخ خراسان است. باین‌همه حامد از حیث فیزیکی خیلی شکننده بود و شاید به‌همین دلیل بود که نتوانست آن‌چنان رشد کند.

- اکبر میناقیان | بازی با دست‌های اکبر میناقیان در مریبگری به مراتب بالا در فوتبال ایران رسید و شاید خیلی بیشتر از تمام اسامی این فهرست به شهرت رسید. باین‌همه او در دوران فوتبال چندان به حقیقت نرسید. میناقیان طعم حضوری هر چند کوتاه در استقلال را چشید؛ اما هیچ‌گاه نتوانست به درجه‌های بالا در عرصه بازی برسد. اکبر میناقیان با پر تاپ‌دست‌های معجزه‌آسایش پیش از آنکه اوت‌دستی در فوتبال ایران مُد باشد، این کار را به بهترین نحو ممکن انجام می‌داد. فوتبال خراسان را خیلی‌ها در آن برهه مشاهده کرد که سمیل تعصب بود؛ برای او و البته استفاده دیگری هم از دست‌هایش می‌کرد و همواره در محوطه جریمه به بهترین شکل با دست‌هایش مانع پرس مهاجمان می‌شد. شاید دست‌های میناقیان خیلی بهتر از پایهایش کار می‌کرد!

- کاظم غیائیان | مدیریت عالی، مهارت بالا درباره مرحوم کاظم غیائیان، مرد دفاعی میانه زمین فوتبال خراسان یک تعبیر ویژه وجود دارد: «او یک مدیر بود.» مردی که همیشه چه بازوبند به دست بود و چه نه، در قامت یک رهبر، تیم را رهبری می‌کرد و این‌مهم‌ترین ویژگی‌های کارش را به‌شمار می‌رفت؛ البته کاظم غیائیان مهارت‌های فنی بالایی هم داشت که بر کسی پوشیده نیست.
- شهریار رضایی | مردی برای همه نُیست‌ها شهریار رضایی قلب دفاع تیم را به دست می‌گرفت، اما هر گاه لازم بود، در طول بازی خودش را به همه نُیست‌ها می‌رساند. هم‌بازی‌هایش می‌گویند شهریار در میدان تمرین فاجعه بود، اما وقتی به میدان مسابقه می‌آمد، همه را خیره می‌کرد. مدافع میانی ابومسلم و منتخب خراسان در طول تمرین شاید یک دور هم دور زمین نمی‌دوید، اما در روز مسابقه از هر بازیکنی دوندتر بود.
- منصور شفیع‌ی ا زبرک و باهوش سرمربی تیم ملی او را به اردو فرخواند. منصور شفیع‌ی، مهاجم شش‌دانگ ابومسلم بود؛ اما برای پیام، هواییمایی و منتخب خراسان هم بازی کرد. بازیکنی که به‌زعیم‌بازی‌هایش، بزیرکی و هوش بالا، ویژگی‌های مهم اوست.



خاطرنگاری با چند بازیکن ویژه دهه ۶۰ به قلم استاد قاسم زردکانلو که از مربیان بنام خراسان در این دهه بود

# بازیکنانی که برکت مرییان بودند



نکرد. بعد از محسن غفور، می‌رسم به حسین فرقانی، بازیکنی به‌ظاهر ریزنقش و ظریف؛ اما گردن کلفت و یارگیر که بازی‌خوانی بی‌مانندی داشت. او در دفاع کنار و دفاع پوششی آن موقع نقش‌آفرین بود. او در هدف گلکار و ابومسلم و پیام و منتخب خراسان، تبدیل به بازیکنی مطمئن و قابل اتکا شده بود. شاید اگر حسین فرقانی فرصت بیشتری داشت، به رشد بیشتری در فوتبال می‌رسید. به نظر من او یک بازیکن قابل‌اعتماد در بازی‌های سخت و دشوار بود و من خیلی به او اعتماد داشتم. بعد از فرقانی، می‌رسم به حسین سیدحسینی، دوست داشتنی که بیشترین بازی‌ها را در تیم‌های مختلف کرده؛ ولی او یک ابومسلمی است. بازیکنی تکنیکی و باهوش و خوش قدوقامت که خوب در بیل می‌زد و گل‌زن و سرزن توانمندی هم بود. بازیکنی چندپسته و آچار فرانسه بود. در پست هافبک راست و وسط و دفاع راست و مهاجم بازی می‌کرد. همیشه

قاسم زردکانلو: دلم هوای چند تا از بازیکنان لیگ قدس و ابومسلم و پیام و منتخب خراسان در دهه ۶۰ و ۷۰ که حالا همه‌شان بالای ۵۰ سال دارند کرده است و می‌خواهم یادی از آن‌ها بکنم؛ بازیکنانی که در شرایط سخت بازی‌های آن زمان، وجودشان برکتی برای فوتبال ما بود و برای مریبانی مانند من و امثال من بودند و بعد از نسل اولیه بازیکنان بومی خراسان مانند اعظم‌ها و عباده‌زاده‌ها و شهریارها و صیامی‌ها و جاندری و احمد حامد‌ها و جلالیان‌ها و نظیر این‌نوع بازیکنان آمدند و چندسالی از اعتبار فوتبال خراسان به‌خوبی دفاع کردند. عباس صالح‌آبادی چپه سبزوآر، بک راست تیم منتخب خراسان بود که خودش را با بازی‌های مردانه و سخت‌کوشی بیش‌ازحد به‌عنوان بک راست تیم خراسان تحمیل کرد. بازیکنی دوند، شجاع و تکنیکی با قدرت‌بدنی فوق‌العاده و نفوذهای بی‌امان. بهترین بازی او را در تهران مقابل منتخب تهران دیدم که چنگیز سرعتی و تکنیکی آن‌روزهای استقلال و تیم ملی را مهار کامل کرد که هیچ‌با نفوذهای بی‌امانش سمت راست تیم منتخب رانطقه قوت حملات تیم کرده بود که همه انگشت‌به‌دهان مانده بودند. از عباس که بگذریم، به محسن غفور می‌رسم که بازیکنی عجیب و چندپسته بود و با تکنیک و قدرت‌توپ‌گیری و سرعت خوب همراه با اراده و شجاعت که با هر ۲ پا خوب بازی می‌کرد در خط میانی و دفاع تیم توربو و پیام آن‌قدر قابل اعتماد بود که هر مربی دوست داشت او داشته باشد. مرحوم علی حسینی تعصب عجیبی روی او داشت و یک فصل هم در پیام ما من بود که در مقابل پرسبولیس در تهران در بک چپ غوغا کرد. شاید حق او در فوتبال ما بیش از آن بود که دیده‌شد؛ او پتانسیل رسیدن به تیم ملی را هم داشت، افسوس که خوب از توانش استفاده

منتخب را تغذیه و صاحب موقعیت می‌کرد... افسوس که آسیب‌دیدگی‌های او به‌ویژه زانویش، او را زودتر از زمان لازم از فوتبال ما گرفت و به حقیقت آن‌طور که شایسته‌اش بود، نرسید. از علی که بگذریم، به معرفی یک استعداد ناب فوتبال، کسی که به نظر من می‌توانست یک پای ثابت در تیم ملی باشد، می‌رسیم؛ حسین قدم‌سلطانی، معروف به حسین قدم. او که در جوانان خراسان هم من شانس کار کردن با او را داشتم، در نوع خودش یکی از اعجوبه‌های فوتبال ما بود. گمان نمی‌کنم در زمان خودش در خراسان کسی بهتر از او در بیل می‌زد. چندان باهوش و زرنگ بود که وقتی صاحب‌توپ می‌شد، خیالت راحت بود که توپ را سالم به مقصد تصمیمش می‌رساند. او اگر لازم می‌شد، دروازه‌بان می‌هم می‌کرد. در دفاع چپ و راست در خط هافبک و در نوک حمله قدرت بازی کاملی داشت. من به‌خاطر نیاز تیم منتخب، او را از خط حمله به دفاع راست آوردم و خوب هم بازی می‌کرد. در ابومسلم در هافبک وسط چند سال آقایی کرد. بزرگ‌ترین اشکال او زرنگی و هوش بالایش از در رفتن از کار سخت و زیر تمرین بود. تکنیک و مهارت او در شرایط تحت‌فشار ستودنی بود. او اگر در شرایط امروز فوتبال بازی می‌کرد و این انگیزه‌های مادی را می‌دید، قیمتی باورنکردنی داشت. حیف که بدشانس بود و در زمان او از این خبرها نبود؛ ولی خدمات حسین قدم برای تیم منتخب خراسان و ابومسلم و تیم‌های اولیه‌اش ۲۲ بپمن و سایر تیم‌ها از جمله بانک صادرات، تحسین برانگیز است. دم‌همه این بازیکنان که به‌صورت خلاصه قسمت کوچکی از فوتبالشان را عرض کردم، گرم که فوتبال پاک وی‌بی‌شله‌پیله دهه ۶۰ خراسان را رقم‌زدند. باید قدرشان را بدانیم و به آن‌ها احترام بگذاریم.